

# صنعتی شدن کشور

## و توزیع عادلانه ثروت

هدف برنامه‌ریزی در کشورهای در حال رشد رسیدن به هدف: رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت است و با توجه به عقب افتادگی این کشورها - باید با آهنگ سریعتری حتی سریعتر از کشورهای غربی پیشرفت کنند. بهمین جهت برنامه‌ریزی اقتصادی در کشورهای در حال پیشرفت برای از بین بردن آثار و مکانیسم نیروی بازار و تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی ضروری است. در این زمینه باید از طرح و برنامه کشورهای غربی تبعیت کرد یا از کشورهای بلوک شرقی و یا راه دیگری انتخاب کرد. بعبارت دیگر برنامه‌ریزی باید با خشونت همراه باشد و آمرانه باشد یا ارشادی باشد و هدایت‌کننده طرح و برنامه کشورهای غربی اغلب مخالف دخالت مستقیم دولت است. طرفداران این سیستم معتقدند که دولت باید از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی و تجارت خارجی تعیین نرخ بهره و اشل‌های مالیاتی موجبات سرمایه‌گذاری و پیشرفت و ترقی سریع را فراهم کند. در صورتیکه در برنامه‌ریزی دولتی و سوسیالیسم دستورات برنامه‌ای باشخص و افراد و مردم تحمیل میشود و آزادی افراد در مصرف منابع طبیعی - انرژی و مواد خام حتی در اشتغال بمشاغل و کسب علوم و تحصیلات و فنون محدود میگردد و بعضی از آزادی‌ها و مکانیسم آزاد قیمت‌ها و رقابت آزاد وجود ندارد.

اگر طرفدار عقیده غربیها شویم یعنی از طریق ارشاد و هدایت اقتصاد کشور را اداره کنیم این امر ملازمه با تسلط بر نیروهای بازار دارد که آنهم مستلزم داشتن قدرت و توانائی کافی است.

اغلب در اثر ضعف حکومتات در کشورهای در حال رشد نیروهای بازار چنان قدرت و توانائی دارند که تسلط بر آنها مشکل است و یکی از بزرگترین گرفتاریها و مشکلات زمامداران هر کشور تسلط بر بازار است.

در این کشورها اگر بخواهند از عقب افتادگی‌های چندین ساله رهایی یابند باید زمامداران آنها با قدرت و توانائی بیشتری عملیات بازار را خنثی کرده بر قیمت‌ها نظارت نموده و عملیات تولیدی را تحت نظر بگیرند و از مصارف بیهوده منابع طبیعی و مواد خام و انرژی جلوگیری کنند و عملیات سرمایه‌گذاری مولد را تشویق نمایند.

در مورد بکار بردن سرمایه‌ها باید این سرمایه‌ها در رشته‌هایی بکار رود که حداکثر فایده اجتماعی را منضم باشد باصطلاح در رشته‌های مولد مثلاً بجای اینکه راههای بزرگ و وسیع و عالی بمنظور ارتباط بین چند شهر بزرگ ساخته شود راههای بین دهات و شهرها از نظر اتصال مراکز تولید بمرکز مصرف بوجود آید بجای اینکه صنایع مصرفی یا تفننی بوجود آید صنایع اساسی ما در صنایع سنگین ایجاد شود بجای اینکه ساختمان‌های زیبا و مجلل در مرکز کشور ساخته شود و جوه آن صرف ساختن خانه‌های ارزان قیمت جهت کارگران - کارمندان، افراد طبقات سوم بکار رود یا بمصرف احداث قنوات و چاه‌ها و ساختن سد بمنظور تأمین آبیاری یا توسعه شبکه ارتباطیه - مخابرات و راهها و سایر کارهای عمرانی و تولیدی بمصرف برسد.

درباره طرحهای خدمات اجتماعی و توسعه فرهنگی و بهداشتی چون این نوع سرمایه‌گذاری اجتماعی موجب پرورش و تربیت نیروی انسانی است که اهمیت آن کمتر از سایر عوامل توسعه اقتصادی نمیباشد و سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در بالا بردن سطح تولید با اندازه سرمایه‌گذاری‌های مادی مؤثر و مفید است باید دقت کافی شود و صرفه جوئیهای لازم بعمل آید.

در تربیت کارشناسان و کارگران آزموده و ماهر و اسنادکاران و متخصصین فنی سرمایه‌گذاری لازم بعمل آید باید بمنظور ترویج فنون و تعلیمات فنی و تخصصی و حرفه‌ای سرمایه‌گذاری کافی بشود و بعد با ایجاد و توسعه صنایع داخلی بمنظور بهبود وضع موازنه پرداختها و تأمین استقلال اقتصادی کشور پرداخت. استقلال اقتصادی کشور، ملازمه با صنعتی شدن کشور دارد.

چون در کشورهای کشاورزی نظیر ایران که تقریباً ۷۵ درصد سکنه آنرا کشاورزان تشکیل میدهند کارگران اضافی وجود دارد باید سرمایه در صنایع مصرف شود و کشور با تمام قوا صنعتی شود تا کارگران اضافی جذب

گردد. از طرف دیگر چون اغلب جمعیت را کشاورزان فقیر و کم بضاعت تشکیل می دهند امکان ایجاد کارخانجات عظیم و صنایع سنگین با قدرت تولیدی زیاد و بزرگ بسیار کم است و از طرفی عدم وسعت بازار داخلی بعلت محدودیت قوه خرید اهالی موجبات قلت تولیدات صنعتی و افزایش هزینه تولید را فراهم میکند. از این جهت مصنوعات داخلی نمیتوانند با اجناس مشابه خارجی رقابت کنند مگر اینکه دروازه های کشور را بر روی ورود اجناس خارجی به بندیم که آنهم تا اندازه ای به ضرر مصرف کننده داخلی خواهد بود چه مجبور است اجناس و مصنوعات داخلی را هر قدر که نامرغوب باشد به قیمت گرانتر خریداری کند. در هر صورت بموازات صنعتی کردن کشور باید به مکانیزه کردن کشاورزی پرداخت چون کشاورزی مواد خام و مواد غذایی مورد نیاز اهالی را تأمین میکند، چون تمام عناصر متشکله صنعتی شدن از قبیل منابع طبیعی و مواد خام و انرژی لازم - نفت و غیره در ایران وجود دارد استعداد صنعتی شدن کشور ما زیاد است دو عامل مهم دیگری که مسئله مدیریت و دیگری مهارت های فنی است که تقریباً آن را فاقدیم بهمین جهت تربیت کادرفنی و کادر مدیریت باید در سر لوحه اصلاحات و اقدامات اساسی قرار گیرد.

متأسفانه کشور ما از لحاظ کارشناسان فنی و تکنیسین ها و سرکارگر و استاد کارها و مدیران آزموده و لایق و کاردان فقیر است.

در این مورد باید سرمایه گذاری کافی شود و مدارس حرفه ای و فنی توسعه یابد الان تعداد هنرآموزان ما در مدارس فنی از ۶۰ هزار نفر متجاوز نیست و حال آنکه تعداد دانش آموزان در دبیرستان های عادی و عمومی بالغ بر چند صد هزار نفر است باید این نسبت بعکس شود.

یکی از مشکلات صنعتی کردن کشور ما مثل هر کشور در حال توسعه تبدیل کارگران روستائی و ساده بکارگران ماهر و متخصص است و مشکل دیگر بی سوادی و پائین بودن سطح فرهنگ عمومی و فقدان تعلیم و کارآموزی فنی و تخصصی است.

البته میتوان کارگران ساده را که با تکنولوژی ماشینی آشنائی ندارند در ظرف مدت قلیلی با تمرین و کارآموزی آنها را با اصول ماشینی آشنا ساخت، اشکال عمده در کشور ما فقدان مدیران شایسته و افراد متخصص کارآموزده و استادکاران - متخصص فنی - مکانیسین ها - مهندسین تعمیر و نگاهداری ماشین - خبرگان تهیه مواد خام - حسابداران - آمارگران - سرپرستان طراحان - کارشناسان تحقیق

کارمندان اداری و غیره میباشد.

آنچه مسلم است تفاوت غربیها با ما بیشتر در فنون و تکنولوژی است و فنون و روشهای جدید در ازدیاد قدرت تولیدی کارگران تأثیر بسزایی دارند. سرعت افزایش سطح تولیدی در کشورهای صنعتی متری بیشتر تابع پیشرفت فنون و تکنولوژی است حتی عده‌ای از دانشمندان اقتصاد برای فن تولید بیشتر از سرمایه و منابع طبیعی اهمیت قائل می‌باشند.

منشاء تغییرات فنی توسعه علوم طبیعی جدید و صنایع و اختراعات و اکتشافات جدید است بخصوص در وضع حاضر که در هر ۲۰-۳۰ سالی باید علوم بکلی عوض می‌شود این امر ملازمه دارد که ما مرتباً در جریان تحولات علوم و فنون باشیم البته پیشرفت‌های علمی بنفسه در بالا بردن سطح تولید مؤثر نیست.

ازدیاد تولید که باعث افزایش درآمد سرانه و درآمد ملی کشور است از طریق تغییرات فنی ملازمه با بکار بردن علمی فنون و روشهای جدید ناشی از پیشرفت علوم در عملیات تولیدی است.

مسئله فرضیه‌های علمی نیروی اتم و یونیزاسیون و غیره زائیده افکار و تحقیقات علمای اروپائی است ولی استفاده از آنرا آمریکائیان بردند. اولین بمب اتمی بآیدرژنی را آنها ساختند.

ما باید مرتباً در جریان پیشرفت علوم و صنایع و فنون کشورهای غربی مثل ژاپن باشیم بهمین جهت دولت باید در تربیت کادرفنی یعنی سرمایه‌گذاری نیروی انسانی نهایت مساعی را مبذول دارد. بنظر کارشناسان سازمان ملل متحد سرمایه‌گذاری بمنظور بهبود کیفیت و پرورش عامل انسانی حتی از سرمایه‌گذاری مادی مولدتر است.

بهمین جهت دولت باید در راه ارتقاء سطح فرهنگ و افزایش فنون و مهارت‌های نیروی انسانی این کشور همت بگمارد.

مقصود آموزش تنها باسواد کردن افراد نباید باشد بلکه از نظر تسریع عملیات توسعه اقتصادی هدف باید اشاعه علمی و فنون و ایجاد محیط مساعد برای قبولاندن افکار و عقاید جدید و مبارزه باخرافات و اصول شاعر مشربی و تنبلی و بیماری و بیکاری و یاستن پوسیده و افکار عقب ماندگی و روح تسلیم و

قضا و قدر و فراهم آوردن زمینه برای يك تحول عظیم صنعتی و فرهنگی واجتماعی باشد .

برای صنعتی کردن کشور باید افکار افراد را نیز صنعتی کرد و تحرك و دینامیسم و روح اطاعت و انضباط و وجدان کار و قبول مسؤلیت را در آنها ایجاد نمود . از نظر اقتصادی اجرای برنامه های ترویج و آموزش کشاورزی بمنظور افزایش تولیدات کشاورزی برای تأمین نیازمندیهای غذایی و مواد خام کارخانجات و تعلیم فنون و روشهای صنعتی در درجه اول اهمیت قرار داد .

کارآموزی فنی و حرفه ای از ضروریات برنامه توسعه صنایع بشمار میرود بایشرفت و توسعه صنایع نیازمندیهای فنی دستگاههای تولیدی افزایش مییابد . در ایران باید دوره دوم دبیرستان را بدو دوره فنی و عمومی تبدیل نمود و مقدار کمی از شاگردان مستعد را برای دانشگاهها و تحصیلات عالی تربیت کرد و بقیه را بمدارس فنی و تخصصی گسیل داشت و توسعه صنعتی و کشاورزی کشور مستلزم توسعه مدارس فنی و حرفه ای است تا بدین طریق مشکل بیکاری جوانان حل شود . توسعه صنایع تا حدی منوط بتوسعه کشاورزی است زیرا بدیهی است در اثر توسعه صنایع تعداد بیشتری کارگر در کارخانهها استخدام میشوند و در نتیجه تقاضای خواربار و محصولات کشاورزی افزایش مییابد ، از طرف دیگر توسعه صنایع مستلزم توسعه مواد خام است که بیشتر در مزارع کشاورزی تولید میشود از این رو افزایش درآمد این طبقات لازمه توسعه صنایع بشمار میرود .

بعلاوه توسعه صنایع بدون بالا بردن سطح تولید کشاورزی ممکنست موجب افزایش سطح قیمت ها گردد از اینرو باید با رعایت تعادل بین توسعه صنایع و کشاورزی سرمایه گذاری به عمل آید .

کشور ما برای اینکه از نوسانات بازارهای جهانی در مورد مواد خام و محصولات کشاورزی صادراتی نجات یابد باید بکوشد با تنوع تولیدات و افزایش توسعه صنعتی عقب افتادگی خود را جبران نماید .

متأسفانه جوامع کشاورزی اغلب به استثنای آنهایی که کشاورزی مکانیزه و صنعتی شده دارند از لحاظ اقتصادی و فرهنگی واجتماعی عقب هستند .

صنعتی شدن نه تنها مهارتها و استعداد انسانها را ظاهر میکند بلکه ساختمان اجتماع و طبقات آنرا تغییر میدهد درجائی که صنعتی شدن باعث جذب نیروی

انسانی میشود در جایی که صنعت باعث توسعه علوم و فنون و افزایش تحصیل میشود مسلماً صنعت مفیدتر از سایر رشته‌های اقتصادی است .

در مطالعاتی که در راه صنعتی کردن ایران توسط مقامات دولتی بعمل آمده خوشبختانه در آینده نسبت بصنایع اساسی مادر صنایع سنگین از قبیل صنایع ذوب آهن و فلزات و ماشین سازی صنایع آلومینیوم - تراکتور و اتومبیل سازی و صنایع پتروشیمی و شیمیائی و توسعه شبکه برق و کود شیمیائی و ابزار و آلات ماشین از قبیل ژنراتورها و دیزل و تلمبه و کمپرسور و غیره توجه شده است از این رو آینده خوبی برای صنایع سنگین ایران پیش بینی می‌شود .

مادام که صنایع اساسی ایجاد نشود صنعتی شدن کشور غیر مقدور است البته صنعت اصولاً بر پایه منابع طبیعی و مواد خام قرار دارد . در احداث این صنایع سنگین که محتاج بسرمایه گذاری معتنا به است ، باید بعوامل دیگر از قبیل تربیت کارگر متخصص و کارشناس و مدیران لایق توجه داشت البته ما باید صنایعی را تشویق کنیم که بکارگرفراوان نیازمند باشد تا بتواند کارگران زائد روستائی را جذب نماید . مسئله بشمر رساندن طرح‌های صنعتی نیز حائز اهمیت است بهمین جهت در انتخاب طرح‌های صنعتی باید دقت کافی معمول داشت . بموازات صنایع بزرگ و سنگین باید صنایع کوچک و دستی را برای مشغول کردن روستائیان در فصول بیکاری تشویق کرد کما این که صنایع کوچک ژاپن در گذشته و حال در توسعه اقتصادی آن مؤثر بوده است . ساختن عروسک و انواع اقسام اسباب بازی - خودنویس - دگمه سرآستین - دوچرخه و کفش لاستیکی - کارت بازی - دستگاه‌های عکاسی و فیلمبرداری و غیره صدها میلیون دلار عایدی برای ژاپن در سال بوجود می‌آورد و این امر مانع از آن نیست که ژاپن در صنایع کشتی سازی مثلاً در دنیا در درجه سوم قرار گیرد . البته دلیل توسعه واحدهای کوچک صنعتی در ژاپن تولید نیروی برق ارزان در دهات و روستاها و شهرها است واحدهای کوچک صنعتی همان اندازه میتوانند در زمینه صنعتی شدن کشور مفید واقع شوند که صنایع بزرگ البته صنعتی شدن کشور در عین حال ملازمه با نظارت قیمت‌ها و محصولات صنعتی دارد .

برای جلوگیری از اجحافات و تعدیات و غارت‌گری‌ها و گرانفروشی‌های پاره‌ای از ارباب صنایع بیرحم و بی‌عاطفه که در پشت سنگر صنایع داخلی خود

را مخفی کرده اند و جنسهای نامرغوب وطنی را با وصف معافیت های گمرکی در مورد مواد خام و معافیت های مالیاتی بچند برابر جنس مشابه خارجی میفرورند باید دولت در قیمت گذاری و تعیین قیمت تولید آنها بنام حفظ منافع مصرف کنندگان دخالت کند تا موجبات تشویق خریداران و توسعه محصولات صنعتی و افزایش تولیدات و بهبودی اجناس داخلی را فراهم نمایند و هم بتوانند در خارج از کشور بازارهایی برای مصنوعات داخلی به وجود آورند .

اکنون هیچیک از مصنوعات داخلی ما بعلت حرص و آز زیاد و مطامع از حد فزون مولدین داخلی در کشورهای خارجی با کالاهای مشابه قابل رقابت نیست .

کارخانجات داخلی ما با بی بندوباری و آناارشی خاصی بمیل خودبهر قیمتی که بخواهند چون بازار را در انحصار دارند مصنوعات نامرغوب خود را بچند برابر قیمت تولید شده در بازار عرضه میکنند و حال آنکه این کارخانجات اغلب از تسهیلات و کمک های دولت از قبیل تسهیلات اعتباری با بهره ارزان حتی ۴٪ حداکثر ۶٪ و تسهیلات و معافیت های مالیاتی پنجساله و معافیت های گمرکی و غیره متمتع و بهره مند میشوند و بی دلیل نیست در ظرف مدت قلیلی صاحب آلف والوف میشوند .

در این مورد امثله فراوان در دست است که اغلب خود مردم بدان آشنائی دارند و نیاز بتکرار مکررات نیست .

در هر صورت منافع و مصالح اجتماعی ایجاب مداخله دولت و نظارت مسئولین و متصدیان امور را در نحوه تولید و قیمت گذاری صنایع داخلی مینماید . در عین حال چون اجرای توسعه صنعتی ملازمه با فشار تورمی و افزایش سطح قیمت ها دارد دولت باید با اقدامات ضد تورمی از قبیل وصول مالیات های مستقیم و نشر و انتشار اوراق فرضه و نظارت در مسئله تسهیلات اعتباری و افزایش تولید و سایر اقدامات اقتصادی مالی و پولی جلو عواقب وخیم تورم را بگیرد ، ضمناً با اتخاذ تدابیر لازم از قبیل توسعه شرکت های تعاونی بخصوص شرکت های تعاونی تولید و اعتبار و مصرف و ایجاد میادین خواربار و قطع ایادی بین الواسطه دلالان و غیره از گرانفروشی جلوگیری کرده و اقداماتی معمول دارد ، که محصولات کشاورزی و مواد غذایی و خواربار مستقیماً از مراکز تولید بمراکز مصرف توسط

شرکت‌های تعاونی برسد در این باره گفتنی‌ها زیاد است که در سرفرصت صحبت خواهیم کرد .

طبق مطالعات کارشناسان اقتصادی سازمان ملل متحد کشورهای پیشرفته صنعتی روز بروز ثروتمندتر و کشورهای در حال توسعه که اغلب کشاورزی هستند روز بروز فقیرتر می‌شوند بنا بر این فاصله طبقاتی - فاصله ثروت همیشه بین کشورهای صنعتی و کشورهای عقب افتاده وجود دارد و روز بروز بیشتر می‌شود. این معلول این امر است که کشورهای در حال توسعه اغلب کشاورزی هستند و محصولات آن‌ها محصولات کشاورزی و مواد خام یا مواد معدنی می‌باشد که باید به ثمن بخش کشورهای صنعتی پیشرفته بفروشند ، و چون قیمت این مواد تحت تأثیر نوسانات بین‌المللی است همواره درآمد کشورهای در حال پیشرفت متغیر و ناپایدار بوده و نمی‌توانند درآمد ثابت ارزی داشته باشند تا بتوانند با تکیه آن بر نامه‌های صنعتی طویل‌المدت تنظیم نمایند در واقع این کشورها تحت سیطره و استثمار و استعمار اقتصادی کشورهای پیشرفته می‌باشند .

برای این که بتوانند این کشورها خود را از قیود این استعمار نجات دهند باید با تمام قوا صنعتی شوند و از مواد خام و محصولات کشاورزی و منابع طبیعی خود استفاده نمایند بجای این که مثلاً سنگ‌های معدنی را بثمان بخش کشورهای پیشرفته بفروشند و وسائل تغلیظ و تبدیل و استخراج و ذوب فلزات و غیره را در خود کشور تهیه نمایند آنها را تبدیل بفلزات و ماشین‌آلات یا افزار و اسباب تولیدی بنمایند و از فرار سرمایه جلوگیری کرده و در ارز خارجی صرفه‌جویی کرده برای بیکاران نیز کار تولید نمایند .

کشور کشاورزی همواره تیول کشور پیشرفته صنعتی است ( از گفته‌های لیست عالم اقتصادی) بهمین جهت با تمام قوا باید کشور صنعتی شود تا استقلال اقتصادی کشور تأمین گردد. استقلال سیاسی و اقتصادی هر کشوری بستگی بصنعتی شدن آن کشور دارد .

در ضمن صنعتی شدن کشور دولت باید عملیات مؤسسات خصوصی و کارخانجات را تحت نظر بگیرد و تمام عرضه تولیدات را کنترل نماید تا بدین ترتیب منابع تولیدی را بسوی طرح‌های مفید و مؤثر و مولد سوق دهد و از تفریط و افراط کاری و تبذیر و اسراف و حیف و میل سرمایه‌ها و منابع طبیعی و انرژی

جلوگیری کند .

اصولاً توسعه اقتصادی مستلزم توسعه صنعتی و کشاورزی و وضع مسالیات آنها بمنظور تعدیل ثروت و سرمایه و اصلاح و تعدیل بودجه و نظارت ارز و جلوگیری از واردات غیر ضروری و تشویق صادرات بمنظور حفظ موازنه پرداختها و نظارت بر میزان تولید و منابع طبیعی و مزد و سطح مصرف داخلی و جلوگیری از مصارف تجملی و تشویق سرمایه گذاریهای خصوصی و پس اندازهای خصوصی و سوق دادن آنها بامور مولد و سایر امور مالی و اقتصادی می باشد .

مسئله مهم برای کشور ما مسئله موازنه پرداختها است که در وضع حاضر با ۱۵۰ میلیون دلار کسر موازنه مواجه هستیم که در سال گذشته با اشکالاتی تا اندازه ای تعدیل شده است ، تعادل موازنه پرداختها ایجاب می نماید که از ورود کالاهای مصرفی و تفننی و تجملی حتی الامکان جلوگیری شود . در سال بالغ بزرگ میلیارد دلار صرف واردات می کنیم و مبلغ معنایی می باشد باید سعی شود که قسمت اعظم کالاهای وارداتی امثال ماشین آلات - اتومبیل - مواد دارویی - شیمیائی - مواد الیاف مصنوعی و مصنوعات ناشی از صنایع پتروشیمی و غیره در داخله کشور تهیه و ساخته شود تا دراز صرفه جوئی شود و قسمت عمده آن صرف احداث کارخانجات تولیدی در کشور شود .

طرحهایی که دولت و مؤسسات عمومی باید قاعداً مسئول اجرای آن باشند شامل توسعه صنایع اساسی مادر مثل ذوب آهن - فلزات - فولاد سازی یا سایر صنایع فلزی - حمل و نقل عمومی - پتروشیمی - هواپیما سازی - کشتی سازی - تراکتور سازی و سایر ماشین آلات کشاورزی - ساختن لوازم بدکی و وسائل ارتباطیه و مخابرات و ساختن سدها و مراکز تولید برق و غیره .

طرحهایی که دولت با مشارکت سرمایه گذاران میتواند انجام دهد . مثل صنایع آلومینیوم - صنایع مصرفی و مواد شیمیائی - دارو - کود شیمیائی و پلاستیک و کاغذ سازی و غیره .

دسته سوم طرحهایی است که منحصرأ مؤسسات خصوصی و اشخاص باید انجام دهند و سود آنها مطمئن میباشد مثل اغلب صنایع سبک و متوسط غذایی و مصرفی - نساجی - مصالح ساختمانی ( سیمان و آجر و غیره ) برای تأمین سرمایه های لازم باید پس انداز خصوصی اختیاری در کشور تشویق شود .

نورکس می گوید : (سرمایه باید از خود کشور تأمین شود)  
در کشورهای جهان آزاد دولت ها مقدم بر هر چیزی به توسعه پس انداز  
خصوصی اختیاری اهمیت می دهند بهمین دلیل مسئله مالیات نقش مهمی در پس انداز  
اجباری ایفا میکند .

در کشورهای عقب افتاده باید سیستم مالیاتی طوری معمول شود که  
جوابگوی نیازمندیهای مالی کشور را بنماید ضمناً اصل عدالت را مرعی داشته  
و مشوق پس اندازهای خصوصی بشود .

در گذشته در جهان پیشرفته صنعتی وجود طبقات اجتماعی ممتاز از قبیل  
مالکین - طبقه و بورژوازی - موجبات تسهیل تشکیل پس انداز را فراهم میکرد  
ولی امروزه در کشورهای عقب افتاده بقول نورکس این طبقه گرفتار آثار تظاهرات  
تمدن غرب شده و صرفه جوئی های خود را در راه مد و تجمل پرستی و تقلید  
مظاهر غرب یا غرب زدگی و آثار تمدن غرب خرج مینمایند مثلاً آلان در قاره  
سیاه گرانبها ترین اتومبیلها رواج پیدا کرده است .

رواج ماشینهای بزرگ امریکائی در ممالک در حال توسعه دلیل بر تجمل  
پرستی و هوسرانی و تبذیر و اسراف این طبقه مرفه و ثروتمند میباشد .

در کشورهایی که هنوز بیمارستان و یا آموزشگاه کافی عمومی و فنی  
وجود ندارد و قسمت اعظم مردم یا بیمار و یا بی سواد و یا بی غذا میباشند . در  
منازل شخصی دستگاههای تهویه مطبوع و فان کوئل و حرارت مرکزی تعبیه  
شده است یا در کشورهایی که هنوز آب جاری و یا فاضل آب وجود ندارد و  
سینماهای درجه اول زیبا و لوکس و سینما راما دائر و برقرار است بهمه دولت  
است که با این تمایل به تجمل پرستی و یا قبول زندگانی پر زرق و برق  
کشورهای ثروتمند مبارزه نماید . البته حل این مشکلات ساده نیست و خیلی مشکل  
است که سکنه کشور های عقب افتاده را وادار بقبول محرومیت ها و مصائب  
نمود و آنها را دور از تماس با کشورهای پیشرفته در چهار دیوار کشور محبوس  
و منزوی ساخت و ارتباط آنها را با جهان تمدن غرب و آمریکا قطع کرد  
مع الوصف میتوان با اتخاذ سیاستهای معتدل و با تدابیر خاص اشخاص را وادار  
کرد که عایدات خود را بجای خرید لوازم لوکس و تفریحی و آرایشی و تجملی  
بجای مسافرتها ی تفریحی بخارج از کشور ، بجای خرید اتومبیلهای  
گران قیمت در راههای مفید تولیدی بمنظور سرمایه گذاری مولد بکار  
بیانند .

بقول کاستون لودوک استاد اقتصاد دانشگاه پاریس : دولت در حال توسعه

باید بکشورهای صنعتی بفهماند که بجای فروش فیلمهای وسترن و مبتذل بهتر است که تراکتور و وسائل تولیدی کشاورزی یا بولدزر و وسائل ماشین آلات راهسازی بکشور وارد و فروخته شود.

بطور کلی پس انداز خصوصی از چند راه ممکن است بمصرف سرمایه - گذاری برسد یا از بازار سرمایه که پس انداز کنندگان پس انداز خود را عرضه میکنند یا اینکه از تمرکز پس انداز خصوصی در سیستم بانکی استفاده شود و یا اینکه دولت با دریافت مالیات مصرف کننده را مجبور نماید که مقداری از درآمد خود را بصورت پس انداز اجباری در اختیار سرمایه گذار بگذارد. در این باره در فرصت مناسب صحبت خواهیم کرد. آنچه از نوشته های فوق الذکر استنباط میشود اینست که تجربیات کشورهای نظیر ژاپن - شوروی - آلمان نشان میدهد که عمل توسعه صنعتی و کشاورزی يك کشور امر ساده ای نیست بخصوص صنعتی کردن کشور ملازمه با تغییر روحیه مردم و نحوه تفکر حتی تغییر آب و خاک و محیط و هوای کشور دارد بعبارت آخری مردم باید رشد و تربیت و انضباط صنعتی پیدا کنند.

البته در کشورهای با برنامه مرکزی با اعمال قدرت میتوان میزان تولید را بالا برد و از مصرف کاست در مصارف مواد خام - منابع طبیعی و سرمایه انسانی و سرمایه مادی و مدیریت و قیمت ها و غیره نظارت کرد و چون منابع سرمایه طبیعی و نیروی انسانی در دست دولت است آن موانع و اشکالات کشورهای جهان آزاد در راه توسعه وجود ندارد البته سرمایه تنها برای توسعه اقتصادی کافی نیست برای اینکه حداکثر استفاده از سرمایه بعمل آید اقتصاد کشور باید ظرفیت کافی برای جذب سرمایه گذاری داشته باشد. و از نظر سازمان اداری و فنی و مدیریت بخصوص فن تولید و مهارتهای فنی و تخصص نیز آن کشور پیشرفت کرده باشد چه آنکه همانظوری که متذکر شدیم سرعت رشد و توسعه اقتصادی تنها منوط بمقدار سرمایه نیست بلکه بخاصیت تولیدی سرمایه یعنی بضرب سرمایه گذاری که عبارت از تعداد سرمایه لازم برای تولید يك واحد اضافی است بستگی دارد. هر چه ضریب سرمایه گذاری کمتر باشد خاصیت تولیدی سرمایه بیشتر هست و این خود نموداری از درجه تکامل سازمان اداری و پیشرفت فنی يك کشور هست. در هر حال پیشرفت اقتصادی در کشور ما مثل سایر کشورهای در حال رشد تا درجه قابل توجهی مرهون و معلول دخالت و رهبری دولتها است در کشورهای چون ژاپن - آلمان - شوروی با تمرکز طرح و تنظیم برنامه های اقتصادی دولت نقش مهمی را در رشته اقتصادی و تسریع آن و صنعتی کردن کشور داشته است.